

حمله سر طان جهانی امریکابه کودکان سر طانی اهوازی

بقایی: اقدام امریکا در حمله به نزدیکی بیمارستان کودکان، جنایتی بزدلانه و مصداق جنایت جنگی علیه بی گناه‌ترین انسان‌هاست

کودکانی که با شجاعت برای نجات جان خود مبارزه می‌کنند



علی معرف‌ايرنا

■ **تخلیه بیمارستان برای حفظ جان بیماران**

مقام‌های محلی در استان خوزستان می‌گویند بیمارستان بقایی ۱۲اهواز، محل درمان کودکان مبتلا به سرطان، پس از حمله شامگاه چهارشنبه به مناطقی در اطراف آن، به‌طور موقت تخلیه‌شده‌است.

ولی‌الله حیاتی، معاون امنیتی و انتظامی استانداری خوزستان، روز پنج‌شنبه گفت این حمله به نقاطی در مجاورت بیمارستان انجام‌شده و بیماران برای حفظ امنیت به مراکز درمانی دیگر منتقل شده‌اند.

دانشگاه علوم پزشکی اهواز نیز اعلام کرد که در پی وقوع انفجار در نواحی مجاور بیمارستان، این مرکز تخصصی درمان بیماران مبتلا به بیماری‌های خونی و سرطان، موقتاً از جرّخه خدمات درمانی خارج شده‌است.

به گفته این دانشگاه، هیچ‌یک از بیماران در این حادثه

در سست در لحظاتی که داروهای مسکن قوی و مرفین‌ها داشت اثر می‌کرد تا کمی درد کودکان سرطانی را التیام ببخشد، بلکه خواب به چشمانشان بیاید، صدای انفجارهای متعدد و فرور یختن و ویرانی، حوالی ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه خواب را از چشم کودکانی ربود که به ضربه و زور داروها به خواب فرو رفته بودند، وحشتی عجیب را به جانشان ریخت. کودکان بیماری که در دنیای زیبای کودکانه‌شان پس از کارشکنی‌های امریکا و غرب بر سر دسترسی به داروهای سرطان با تحریم و بیماران شرکت‌های داروسازی مانند توفیق دارو، این‌بار زیر باران پرتابه‌ها، معنای دشمنی و جنگ تمدنی را از همین سنین کودکانی به عینه دریافتند و زخم و درد این دشمنی را بر تن رنجورشان تحمل کردند. شامگاه چهارشنبه ۲۴ تیرماه از ساعت ۲۲:۳۰، انفجارهای پی در پی شهر اهواز را لرزاند. دشمن تروریستی امریکا با شلیک چندین موشک و پرتابه، بیش از پنج نقطه از این شهر را هدف قرار داد که شکسته شدن شیشه منازل مسکونی در مناطق مختلف، تختی نشانه از شدت حملات بود، اما در کنار خسارات و آسیب‌های این حملات، موشک‌ها و پرتابه‌های دشمن به نزدیکی یکی از حساس‌ترین نقاط شهر اصابت کرده‌بود؛ بیمارستان فوق‌تخصصی شهید بقایی ۲ که محل درمان و بستری کودکان سرطانی و بیماران هماتولوژی و انکولوژی است.

■ **موج گرفتگی بیماران**

هر چند موشک‌های دشمن به طور مستقیم به بیمارستان برخوردر نکرده اما موج انفجار و لرزش شدید، وحشتی بی‌سابقه میان والدین و بیماران ایجاد کرد.

در پی این حمله، ۲۱۱ کودک سرطانی تحت درمان در این مرکز، با رعایت کامل پروتکل‌های ایمنی به سایر بیمارستان‌های اهواز منتقل شدند و روند درمانی آنها بدون وقفه ادامه یافت.

ولی‌الله حیاتی، معاون امنیتی و انتظامی استانداری خوزستان، با تأیید این خبر اعلام کرد که خوشبختانه آسیب جانی به بیماران و کادر درمان وارد نشده، می‌گوید: «ما چند بیمار سرطانی بر اثر فشار و امواج انفجار دچار موج گرفتگی شدند که بلافاصله به مراکز درمانی دیگر اعزام و تحت مراقبت ویژه قرار گرفتند.»

۲ خبر پروین قائمی

زمانی «ماکس ویر» سیاست را به معنای تلاش برای مشارکت در قدرت تا نفوذ در تقسیم آن تعریف می‌کرد. در آن دوران، ابزار این تلاش، حزب، ایدئولوژی و سخنرانی‌های اقناعی بود، اما امروز، حقیقت سیاست در حال تجربه یک دگردیسی بنیادین است. ما دیگر با «سیاست رسانه‌ای‌شده» طرف نیستیم، بلکه با پدیده‌ای به نام «استعمار سیاست توسط رسانه» روبه‌رو هستیم. استعمار در معنای کلاسیک، یعنی اشغال یک سرزمین و تحمیل قواعد بیگانه بر بومیان و امروز، رسانه دقیقاً همین کار را با قلمرو سیاست انجام داده‌است. سیاست دیگر در نهاده‌ها «تفائق نمی‌افتد» تا رسانه آن را «گزارش‌گردد»، بلکه سیاست تنها زمانی متولد می‌شود که در قالب رسانه بگنجد. در این نوشتار، با استناد به تازه‌ترین آراء نظریه‌پردازان برجسته جهان، ابعاد این اشغالگری مدرن را واکاوی می‌کنیم.

■ **وقتی منطق فنی جایگزین منطق سیاسی می‌شود**
نخستین لایه این استعمار، دگرگونی در ماهیت قدرت است. اندرو چادویک در کتاب «پیوند دیجیتال» استدلال می‌کند که ما از عصر «نهاده‌های سیاسی» به عصر «ماشین‌های رسانه‌ای» پرتاب شده‌ایم. در این ساختار، رسانه دیگر یک واسطه نیست، بلکه به معماری تبدیل شده که رفتار سیاسی را زبنیان ویی طراحی می‌کند. چادویک به‌خوبی تبیین می‌کند که فضای رسانه‌ای جدید، کنشگران سیاسی را وادار کرده تا به جای دنبال کردن اهداف استراتژیک ملی، «الگوریتم‌های بازخوردی» احساسات لحظه‌ای مردم را دنبال کنند. در این مدل، «منطق رسانه» بر «منطق سیاست» چیره شده‌است. اگر منطق سیاسی بر مدار مصلحت عامه و استدلال می‌چرخید، منطق رسانه‌ای بر مدار «سرعت»، «تضاد» و «جاذبیت بصری» می‌گردد. سیاستمداری که نتواند خود را با این ماشین هماهنگ کند، حتی اگر برترین نظریه‌پرداز هم باشد، توسط سیستم حذف می‌شود. این همان نقطه‌ای است که سیاست، استقلال خود را از دست می‌دهد و به مستعمره تکنسین‌های تصویر و متخصصان الگوریتم تبدیل می‌شود. در واقع، رسانه دیگر ابزار سیاست نیست، بلکه سیاستمدار به قطعه‌ای از ماشین بزرگ رسانه تبدیل شده است.

■ **شهرزوند به مثابه داده خام**

اما این استعمار تنها در سطح نخبگان باقی نمی‌ماند. کودکانِ ویر اولییس مخیس را اثر برجسته خود، «صداهایی که به حساب می‌آیند»، پرده از واقعیت هولناک «استعمار داده‌ها» برمی‌دارند. آنها معتقدند همان‌طور که استعمار گران قدیم زمین‌ها را غصب می‌کرد، دند پلنترهای رسانه‌ای امروز «تجربه انسانی» ما را غصب می‌کنند. در این الگواره (پارالایپ)، افکار عمومی دیگر یک جریان پویا و زنده نیستند، بلکه یک «ماه خام» برای استخراج‌اند.

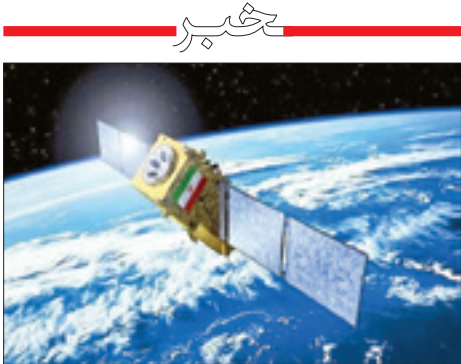
رسانه‌ها با تحلیل ردی‌های دیجیتال ما، تمایلات سیاسی‌مان را پیش‌بینی و سپس مهندسی می‌کنند. وقتی یک سیاستمدار برای جلب رای، به جای گفت‌وگو با توده‌ها، از تحلیل‌های کلان‌داده برای هدف قرار دادن نقاط ضعف روانی مخاطب استفاده می‌کند، عملاً روح سیاست را به حاشیه می‌برد. در اینجا، شهرزوند از یک «فاعل شناسایی سیاسی» به یک «مفعول (ایژه) محاسباتی» تقلیل می‌یابد. این، غایت استعمار است: جایی که فرد

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۶۰۲۳۸۸۵



روزنامه جوان | شماره ۷۶۴۸



ایران در مسیر دستیابی به مدار ۳۶ هزار کیلومتری

رئیس سازمان فضایی ایران از نقشه راه سه‌مرحله‌ای کشور برای دستیابی به مدار ۳۶ هزار کیلومتری خبر داد. حسن سالاریه، رئیس سازمان فضایی ایران اظهار کرد: دستیابی به ارتفاع ۳۶ هزار کیلومتری نیازمند یک نقشه راه سه‌مرحله‌ای است. گام اول، توسعه ماهواره‌ای مانند «تاهید ۳» با فناوری‌های پیچیده کنترل، ارتباطات و موقعیت‌دهی در ارتفاع بالا است.

وی گفت: گام دوم، طراحی و ساخت «بلوک‌های انتقال مداری» با سوخت مایع و در ادامه سوخت‌های کرایونیک است؛ بلوک‌هایی که هم وظیفه انتقال ماهواره به مدار ژئو را بر عهده دارند و هم زیرساخت اصلی کشور برای منظومه‌سازی و پرتاب چندماهواره‌ای محسوب می‌شوند. گام سوم، توسعه پرتابگرهای سنگین مانند «قائم ۱۲۰» و «قنقوس» است که باید ماهواره و بلوک مداری را در مدار پارکینگ قرار دهند تا مسیر انتقال به مدارهای بالاتر تکمیل شود.

رئیس سازمان فضایی ایران افزود: با توجه به تقسیم‌کار میان وزارت ارتباطات و سازمان صنایع هوافضا، این سه بخش به‌صورت موازی در حال پیشرفت هستند و هدف نهایی از این زیرساخت‌ها، فراهم‌سازی بستر ورود ایران به باشگاه کشورهای دارای منظومه فضایی است؛ حوزه‌ای که اکنون امریکا، چین و روسیه و ۱۱ کشور باز یگران اصلی آن به شمار می‌روند.

وی اضافه کرد: مهم‌ترین تغییر در برنامه ۱۰ ساله فضایی نیز جهت‌گیری به سمت مشارکت فعال بخش خصوصی است. این رویکرد با هدف کاهش هزینه محصولات و خدمات فضایی، تقویت رقابت، استفاده از فناوری‌های پیشرفته‌تر مانند سوخت‌های سرمازا و توسعه همکاری‌های بین‌المللی دنبال می‌شود و در عین حال، به اقتصادی‌سازی صنعت فضایی کشور کمک می‌کند.



ابتلای سالانه ۲۰هزار ایرانی به تب‌مالت

رئیس اداره بیماری‌های زئونوز (بیماری‌های منتقله از حیوان به انسان) و وزارت بهداشت با بیان اینکه سالانه حدود ۱۸تا ۲۰هزار نفر به تب مالت مبتلا می‌شوند، گفت: تب مالت با ارتباط «مستقیم» و «غیر مستقیم» با دام، به انسان منتقل می‌شود. محمد زینلی، رئیس اداره بیماری‌های زئونوز (بیماری‌های منتقله از حیوان به انسان) و وزارت بهداشت درباره بیماری تب مالت اظهار کرد: تب مالت، بیماری عفونی قابل انتقال میان حیوان و انسان به‌شمار می‌رود. تب مالت با ارتباط «مستقیم» و «غیرمستقیم» با دام به انسان منتقل می‌شود.

او درباره ابتلا به بیماری تب مالت با ارتباط مستقیم توضیح داد: ابتلای دام به این بیماری سبب سقط جنین می‌شود. ارتباط با ترشحات جنین سقط‌شده دام، می‌تواند برای افرادی که فاقد هر گونه وسایل حفاظت‌شخصی مانند عینک، لباس و دستکش هستند، سبب بیماری شود. ارتباط با ترشحات دام بدون استفاده از وسایل حفاظت‌شخصی می‌تواند سبب میکروارگانیزم‌ها به ویژه «بروسلا» که عامل اصلی تب مالت به بدن شود. پس از دوره کمون، علائم بیماری تب مالت در افراد ظاهر می‌شود. دوره کمون بیماری می‌تواند سه هفته تا شش ماه زمان ببرد.

رئیس اداره زئونوز وزارت بهداشت در باره ابتلا به تب مالت به صورت غیر مستقیم گفت: استفاده از محصولات لبنی دام‌های آلوده می‌تواند سبب ابتلا به این بیماری شود.

او درباره علائم بیماری در دام‌های آلوده اظهار کرد: این بیماری می‌تواند سبب سقط جنین در دام‌های آلوده شود. پس از یک یا دو سقط جنین، این احتمال وجود دارد که علائم سقط جنین نداشته باشند، اما باز هم عامل باکتری بروسل را در دام وجود داشته باشند، بدون اینکه هیچ علامتی داشته باشند. فاقد علامت بودن دام‌های آلوده، نکته مهم و اساسی است.

زینلی درباره نظارت بر سلامت دام‌ها خاطر نشان کرد: سازمان دامپزشکی بر سلامت دام‌ها نظارت می‌کند؛ به‌طور معمول، دام‌هایی که سقط جنین می‌کنند، بلافاصله کشتار و امحای می‌شوند، اما در عین حال این احتمال وجود دارد که این روند در برخی مناطق اتفاق نیافتد، بنابراین رعایت توصیه بهداشتی برای مصرف محصولات لبنی ضروری است.
مصرف شیر جوشیده باشد.
زینلی ادامه داد: مصرف ماست هم مشکلی ندارد؛ اسید موجود در ماست می‌تواند باکتری بروسل را از بین ببرد.
اجتناب از مصرف لبنیات سنتی باید در دستور کار قرار گیرد و مصرف محصولات لبنی پاستوریزه را توصیه می‌کنیم.
همچنین اگر تمایل به مصرف شیر به صورت فله‌ای را دارند، شیر باید حداقل سه تا پنج دقیقه در دمای جوش باقی بماند تا از بروز بیماری جلوگیری کنیم.

رئیس اداره بیماری‌های زئونوز وزارت بهداشت درباره وضعیت تب مالت در ایران گفت: تب مالت، یک بیماری بومی برای کشور ما محسوب می‌شود. سالانه، ۱۸ تا ۲۰ هزار ابتلا در کشور داریم و از نظر پراکندگی در تمام کشور وجود دارد. این بیماری در مناطقی که قطب‌های دامداری کشور به حساب می‌آیند به ویژه در مناطق غربی کشور شایع‌تر است. استان‌های لرستان، همدان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، کردستان و خراسان رضوی بیشترین موارد ابتلا به تب مالت را دارند.

جنایت جنگی علیه بی‌گناه‌ترین انسان‌هاست؛ کودکانی که با شجاعت برای نجات جان خود مبارزه می‌کنند.»

از نگاه وی کسانی که بی‌وقفه از حقوق بشر سخن می‌گویند، اما عامدانه حمله به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی را نادیده می‌گیرند، هر گونه اعتبار اخلاقی خود را از دست داده‌اند.

■ **اراده خلل‌ناپذیر مردم ایران**

انجمن خون و سرطان کودکان ایران هم با انتشار بیانیه‌ای، حمله به بیمارستان شهید بقایی اهواز را محکوم کرد.

در بیانیه انجمن خون و سرطان کودکان ایران آمده‌است: رژیم کودکش ایالاتمتحده امریکا در شرایط استیصال و شکست در مقابل اراده پولادین

وی تأکید می‌کند: «سلامت، نخستین قربانی جنگ است»

شما مردم شریف قرار گرفته‌است.

احساسی‌ای را ایجاد می‌کنند که منطق در آن جایی ندارد. وقتی سیاست به «تخلیه هیجان» تقلیل می‌یابد، عملاً امکان گفت‌وگو و تفاهم ملی از بین می‌رود. استعمار در این سطح، نه تنها ذهن، بلکه احساس جمعی را اشغال و آن را به ابزاری برای سیاستمداران پوپولیست تبدیل می‌کند.

■ **پساموکراسی: انحصار توجه وزوال نهادهای مدنی**

در نهایت باید به ریشه‌های ساختاری این بحران در مفهوم «پساموکراسی» پرداخت. کالین کراوج در بازبینی اثر تحسین‌شده خود، «جاربینی پساموکراسی»، صراحتاًز راه‌استعمار استفاده می‌کند و معتقد است که رسانه‌ها با انحصار «ساختار توجه عمومی»، عملاً سیاست را به اسارت گرفته‌اند. کراوج استدلال می‌کند که ما در عصر «پساموکراسی» با نهادهایی روبه‌رو هستیم که در ظاهر دموکراتیک باقی نمانده‌اند (مانند پارلمان‌ها و احزاب)، اما روح و محتوای آنها توسط نخبگان رسانه‌ای و پلنترها تهی شده‌اند.

در این وضعیت، قوانین عمومی و تصمیمات کلان سیاسی در صحن مجلس‌ها و بر اساس خرد جمعی اشنا نمی‌شوند، بلکه در فضایی که تحت نفوذ مطلق روابط رسانه‌ای است، نوشته می‌شوند. کراوج بر این باور است که رسانه‌ها با کنترل بر آنچه «مهم» جلوه داده می‌شود، عملاً دستور کار دولت‌ها را تعیین می‌کنند. این انحصار توجه به این مناسبت که سیاستمداران به جای پاسخگویی به نیازهای واقعی مردم، به دنبال جلب نظر «صاحبان پلنترها» هستند. در واقع، دموکراسی به جای آنکه ابزاری برای مشارکت توده‌ها باشد، به بازیچه‌ای در دست بازیگران رسانه‌ای که توجه عمومی را به مثابه یک کالای گران‌بها خرید و فروش می‌کنند، تبدیل شده‌است.

■ **بازپس‌گیری مرزهای امر سیاسی**

واکاوی آرای اندیشمندانی چون چادویک، کوردی، وایسبور، هوارد، پاپاچاریسی و کراوج نشان می‌دهد که استعمار سیاست توسط رسانه، از یک پدیده جانبی به یک «بحران وجودی» تبدیل شده‌است. امروزه ماشین‌های رسانه‌ای نه‌تنها نحوه انتخاب ما، بلکه نحوه «احساس» و «تفکر» ما درباره جامعه را نیز باطرراحی می‌کنند. سیاستمداران در محاصره الگوریتم‌هایی است که عقلانیت را به پای هیجان و حقیقت راه به پای جاذبیت قربانی می‌کنند. برای مقابله با این اشغالگری مدرن، نخستین گام درک این واقعیت است که رسانه‌ها دیگر صرفاً «ابزار» نیستند، بلکه خود به «ساختار پیشینی قدرت» تبدیل شده‌اند. راهی‌ای از این استعمار نیازمند بازگشت به سیاست مبتنی بر گفت‌وگوهای واقعی، تقویت سواد رسانه‌ای انتقادی و بازسازی نهادهایی است که از منطق «لاپک» و «ژرند» پیروی نمی‌کنند. تنها با بازپس‌گیری قلمرو «توجه» از دست الگوریتم‌هاست که می‌توان امیدوار بود سیاست دوباره به‌ساحت اصل خود یعنی تدبیر خردمندانه برای خیر عمومی بازگردد. در غیر این صورت، مادر جهانی‌زندگی خواهیم کرد که در آن دموکراسی تنها نامی است روی ماشین‌های محاسباتی که از پیش، برنده‌ها و بازنده‌های خود را تعیین کرده‌اند.

منابع در دفتر روزنامه موجود است.



است. فیلیپ هوارد در کتاب «ماشین‌های دروغ‌ساز» استدلال می‌کند که دموکراسی امروز توسط زیرساخت‌های رسانه‌ای برنامه‌ریزی‌شده هدایت می‌شود. او از مفهوم «ظلم‌زدایی اطلاعاتی»، جایی که حقیقت اولین قربانی «توتامیس» است سخن می‌گوید.

وقتی «ماشین‌های تولید اطلاعات» می‌توانند در هر ثانیه هزاران روایت متناقض تولید کنند، شهروند در اقیانوسی از داده‌ها غرق می‌شود و توان تشخیص را از دست می‌دهد. سیاست دیگر از درون نهادهای قانونی رشد نمی‌کند، بلکه توسط زیرساخت‌های رسانه‌ای مهندسی می‌شود. این «توتامیس اطلاعاتی» باعث می‌شود که دموکراسی به جای تکیه بر اراده آزاد انسان‌ها، بر پایه جاذبیت‌های فنی بنا شود. هوارد معتقد است که سیاستمداران نه یک یک کنش انسانی، بلکه یک فرایند «برنامه‌ریزی‌شده» توسط کدهای نرم‌افزاری است که حقیقت را به پای جاذبیت قربانی می‌کنند.

■ **مهندسی احساس: استعمار شور جمعی**

رسانه‌ها در یافته‌اند که راه تسلط بر سیاست، از «قلب» می‌گذرد. زیری پاپاچاریسی در کتاب «عموم‌های احساسی» (اشاره می‌کند که رسانه‌ها از کانال‌های احساسی برای مهندسی افکار استفاده می‌کنند. سیاست امروز بیش از آن که بر مبنای عقلانیت تنظیم شود، بر شور و شر استوار است. استعمار رسانه‌ای در اینجا به معنای اشغال فضای احساسی جامعه یعنی جایی که خشم، نفرت و ترس، محرک‌های اصلی کنش سیاسی می‌شوند، استوار است. پاپاچاریسی توضیح می‌دهد که چطور رسانه‌ها با استفاده از الگوریتم‌ها، «جوامع